

# محور الاهیات پولس

درس  
سوم

پولس و تسالونیکیان



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

---

سرشناسه: محور الاهیات پولس (درس شماره ۳: پولس و تسالونیکیان)

مدرس: ریجی کید

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

## فهرست مطالب

### (۱) مقدمه

### (۲) پیش‌زمینه

دومین سفر بشارتی

مشکلات در تسالونیکي

جفا

انبیای کذب

زندگی مسیحی

### (۳) ساختار و محتوا

اول تسالونیکیان

تحيات و سخنان پایانی

شکرگزاری

غيبت پولس

تعاليم

دوم تسالونیکیان

تحيات و خاتمه

شکرگزاری و تشويق

دعا

تعاليم

### (۴) ساختار و محتوا

آموزه نجات

نجات در گذشته

نجات آینده

نجات کنونی

اخلاقيات

روند نجات

پیامدهای اخلاقی

## موضع تاریخی

محدودیت سر بی‌دینی

عصبیان یا ارتداد

حذف مانع

ظهور مرد بی‌دین

(۴) نتیجه‌گیری

## پولس و تسالونیکیان

### مقدمه

اخیراً، دربارهٔ پدری شنیدم که در مراسم فارغ‌التحصیلی پسرش از دانشگاه شرکت کرده بود. او بعد از مراسم، با افتخار به پسرش نزدیک شد و پرسید: «خوب پسر، حالا می‌خواهی بقیهٔ زندگی‌ات را چه کار کنی؟» پسر با لبخندی گفت: «من خیلی دربارهٔ آینده‌ام فکر کردم، و فکر می‌کنم فقط می‌خواهم بازنشسته شوم.» اکثر ما می‌توانیم با آن مرد جوان هم‌ذات‌پنداری کنیم. اما تقریباً همهٔ ما تشخیص می‌دهیم که برای مسئولیت‌پذیری، قبل از آنکه بازنشسته شویم، باید سال‌ها سخت کار کنیم.

اگرچه ممکن است عجیب به نظر برسد، اما طرز برخورد این مرد جوان بسیار شبیه طرز برخورد بعضی از مسیحیانی بود که در قرن نخست زندگی می‌کردند. آنها آنقدر مشتاق بازگشت پرجلال ثانوی مسیح بودند که مسئولیت‌های زندگی برای مسیح در این حیات را رها کردند.

این سومین مطالعه از محور الاهیات پولس، پولس و تسالونیکیان نامیده شده است. و در این درس خواهیم دید که چطور بعضی از مسیحیان در کلیسای تسالونیکایی باعث برخی مشکلات جدی شده بودند، چون باور داشتند که بازگشت مسیح بسیار نزدیک بود. و همچنین خواهیم دید که پولس چطور به این باور اشتباه پاسخ داد. مطالعهٔ ما دربارهٔ پولس و تسالونیکیان به سه بخش تقسیم می‌شود. نخست، پیش‌زمینهٔ نامهٔ پولس به تسالونیکیان را بررسی خواهیم کرد. دوم، به تفتیش ساختار و محتوای اول و دوم تسالونیکیان خواهیم پرداخت. و سوم، خواهیم دید که چطور نامه‌های پولس یکی از دیدگاه‌های محوری الاهیاتی او را آشکار ساخت؛ یعنی تعلیم او دربارهٔ روزهای آخر یا آخرت‌شناسی او. بیایید ابتدا به پیش‌زمینهٔ نامه‌های پولس به تسالونیکیان نگاهی بیندازیم.

### پیش‌زمینه

همانطور که در طول این دروس تاکید کردیم، پولس رسول نامه‌های خود را خطاب به مشکلات به‌خصوصی نوشت که در کلیساهای مختلف به وجود آمده بودند. بنابراین، وقتی به اول و دوم تسالونیکیان نگاه می‌کنیم، باید چند سوال اساسی بپرسیم: در کلیسای تسالونیکایی چه خبر بود؟ چرا پولس به آنان نامه نوشت؟ ما پاسخ این سوالات را نخست با کنکاشی در سفر دوم بشارتی پولس خواهیم داد و بعد با کندوکاوی در برخی مشکلات خاص در کلیسای تسالونیکایی. بیایید ابتدا به دومین سفر بشارتی پولس نگاهی کنیم.

## دومین سفر بشارتی

دومین سفر بشارتی پولس در اعمال رسولان ۱۵: ۳۶ تا ۱۸: ۲۲ ثبت شده است. در آنجا لوقا می‌گوید که پولس پیش از آنکه سفر خود را به سوی بخش‌هایی از یونان امروزی ادامه دهد، عمدتاً در آسیای صغیر سفر می‌کرد. این سفر نیز مثل اولین سفر بشارتی پولس، از انطاکیه سوریه آغاز شد و احتمالاً در حوالی سال‌های ۴۸ یا ۴۹ میلادی بود. پولس و برنابا، برنامه داشتند که با هم خدمت کنند اما چون برنابا می‌خواست که یوحنا مرقس با آنان همراه شود، به اختلافی برخوردند. پولس مخالفت کرد چون مرقس طی اولین سفر بشارتی‌شان آنها را رها کرده بود. در نتیجه، پولس سیلاس را به عنوان همسفر خود انتخاب کرد و برنابا و مرقس نیز به سوی قبرس رفتند.

پولس و سیلاس ابتدا در سوریه سفر کردند و بعد به کیلیکیاس رفتند. اگرچه دقیقاً از شهرهایی که گذر کردند اطلاع نداریم، اما کتاب اعمال رسولان به ما می‌گوید که آنان تعدادی از کلیساهای این مناطق را تقویت کردند. آنها از کیلیکیاس به غلاطیه سفر کردند؛ آنجا از کلیساهایی بازدید کردند که پولس طی اولین سفر بشارتی خود تاسیس کرده بود. نخست در دربه توقف کردند و بعد در لستره و آنجا بود که تیموتائوس نیز به آنان پیوست. از لستره به سفر خود در غلاطیه ادامه دادند و وارد پرجه شدند.

در اینجا، پولس قصد داشت در استان آسیا – غربی‌ترین قسمت آسیای صغیر – و بطینیا در شمال موعظه کند. اما روح‌القدس به او اجازه نداد. بنابراین آنها از پرجه به بخش ساحلی تروآس رفتند که حدود ۴۸۰ کیلومتر دورتر بود؛ و آنجا بود که دلیل حرکت شتاب‌زده آنها به سوی غرب روشن شد. پولس در رویا مردی را دید که به او التماس می‌کرد تا به مکادونیه برود – عمدتاً به بخش‌هایی که امروزه در شمال یونان قرار می‌گیرند.

پولس و همراهانش در واکنش به این رویا، سریعاً از راه دریا به سمت مکادونیه حرکت کردند. پیش از اینکه به فیلیپی برسند، به سرعت از نیاپولیس رد شدند، اما مدتی در فیلیپی ماندند و شاهد بودند که افراد زیادی به مسیح ایمان آوردند. با این حال، در نهایت مردم فیلیپی پولس را به خاطر اخراج روح شریک از دخترکی برده، به زندان انداختند. اما حتی در زندان نیز انجیل پخش شد. زمین‌لرزه‌ای در نیمه‌های شب، زنجیرهای زندانیان و درهای زندان را باز کرد. زندانیان با وجود اینکه می‌توانستند فرار کنند، در سلول‌های خود ماندند تا زندان‌بان به خاطر فرار آنها مجازات نشود. زندان‌بان چنان تحت تاثیر این عمل محبت‌آمیز قرار گرفت که خود و تمام خانواده‌اش ایمان آوردند. مبشرین از فیلیپی حرکت کردند و پیش از آنکه به تسالونیکه برسند، از آمفیپولیس و آپولونیا گذشتند. در تسالونیکه، پولس سه هفته انجیل را در کنیسه موعظه کرد. از طریق این بشارت، بسیاری از یهودیان و غیریهودیان انجیل را شنیدند. طی این مدت پولس کار می‌کرد تا امرار معاش کند، و همچنین هدایایی از مسیحیان فیلیپی دریافت کرد که به او در رفع نیازهایش کمک کرد. این حقایق اشاره می‌کنند که شاید پولس چندین ماه در تسالونیکه اقامت

کرده باشد. با این حال، در نهایت برخی یهودیان غیرایماندار به موفقیت انجیل حسادت کردند و آشوبی علیه پولس و سیلاس شکل دادند که آنها را مجبور کرد به بیریه فرار کنند.

در ابتدا، اهالی بیریه با اشتیاق پیغام انجیل پولس را شنیدند. اما خیلی زود، یهودیان غیرایماندار تسالونیکیان متوجه شدند و آن شهر را نیز علیه آنها تحریک کردند. پولس یک بار دیگر فرار کرد و این بار به آتن رفت. در آنجا او نه تنها آنطور که عادتش بود به یهودیان در کنیسه موعظه کرد، بلکه به فلاسفه اپیکوری و رواقی بر کوه مریخ نیز پیام انجیل را موعظه کرد.

پولس از آتن به قرنتس سفر کرد و حداقل یک سال و نیم یا بیشتر در آنجا ماند و کلیسایی تاسیس کرد. بعد از این، با حرکت به سمت شرق و پس از توقفی کوتاه در کنخریه، از راه دریا به افسس در آسیای صغیر رفت. از آنجا و از راه دریا به قیصریه رفت و بعد، به سوی خانه در انطاکیه سوریه روانه شد، و احتمالاً در راه، توقف کوتاهی هم در اورشلیم داشت. سفر او احتمالاً در سال ۵۱ یا ۵۲ میلادی به اتمام رسید.

طی این دومین سفر بشارتی بود که پولس دو نامه خود را به تسالونیکیان نوشت. مطابق اول تسالونیکیان ۳: ۱-۲، وقتی پولس در آتن بود، تیموتائوس را به تسالونیکیان فرستاد تا مشوق ایمانداران آنجا باشد. این رویداد حوالی سال‌های ۴۹ یا ۵۰ میلادی و اندکی پس از آن بود که پولس و همراهانش تسالونیکیان را ترک کردند. وقتی تیموتائوس احتمالاً در ۵۰ یا ۵۱ میلادی بازگشت، به احتمال قوی پولس در قرنتس بود. چنانکه به نظر می‌آید، تیموتائوس به پولس درباره تعدادی از سوء تفاهمات جدی و مشکلات عملی‌ای خبر داد که در کلیسای تسالونیکیان به وجود آمده بود. به احتمال زیاد، پولس نامه اول خود به تسالونیکیان را از قرنتس و اندکی بعد از بازگشت تیموتائوس، برای اشاره به این مشکلات نوشت. احتمالاً، دوم تسالونیکیان نیز چند ماه بعد، و از قرنتس نوشته شد.

حال که دیدیم چطور رسالات پولس به تسالونیکیان در زمینه گسترده‌تر دومین سفر بشارتی او جای می‌گیرد، باید به مشکلات مشخصی که در کلیسای تسالونیکیان وجود داشت نگاه کنیم.

### مشکلات در تسالونیکیان

چه مشکلاتی پولس را نگران کرده بودند؟ چه مسئله بسیار جدی‌ای وجود داشت که او نه یک بار، بلکه دو بار به آنها نامه نوشت؟ مانند هر موقعیت دیگری، مشکلات درهم آمیخته فراوانی در تسالونیکیان وجود داشت. اما با مطالعه نامه‌های پولس، سه مشکل اساسی به چشم می‌خورد: نخست، تقلای جفا؛ دوم، ظهور انبیای کذب در کلیسا؛ و سوم، برخی مشکلات عملی درباره زندگی مسیحی که انبیای کذب در کلیسا به وجود آورده بودند. بیایید ابتدا به مشکل جفا توجه کنیم.

### جفا

هنگامی که پولس نخستین بار انجیل را در تسالونیکی موعظه کرد، ایمانداران آنجا هدف خشونت و جفای سختی قرار گرفتند که زندگی آنها را تهدید می‌کرد. به توصیف لوقا از رویدادهای تسالونیکی که در اعمال ۱۷: ۵ ثبت شده، گوش کنید:

یهودیان حسد ورزیدند و تنی چند از اوباش را از بازار گرد آورده، دسته‌ای به راه انداختند و در شهر بلوا به پا کردند. ایشان در جستجوی پولس و سیلاس به خانهٔ یاسون هجوم بردند تا آنان را به میان جماعت بیرون آورند (اعمال ۱۷: ۵).

در حقیقت، یهودیان غیرایماندار در تسالونیکی چنان پرخاشگر بودند که تنها به اخراج پولس و سیلاس از شهر رضایت ندادند. در عوض، آنها این مبشرین را تا بیریه تعقیب کردند که حتی بعداً نیز برای آنها دردسر ایجاد کنند. لوقا این حقیقت را در اعمال ۱۷: ۱۳ ثبت کرده است:

چون یهودیان تسالونیکی دریافتند که پولس در بیریه نیز کلام خدا را موعظه می‌کند، بدانجا رفتند و مردم را تحریک کرده، شوراندند (اعمال ۱۷: ۱۳).

مخالفین یهودی انجیل، سرسخت بودند و در تعاقب شهر به شهر مسیحیان، حتی غیریهودیان را هم برای مخالفت با ایمان مسیحی تحت تاثیر قرار دادند.

نامه‌های پولس به تسالونیکیان نشان می‌دهد که این جفا پس از خروج او از تسالونیکی نیز ادامه یافت. پولس در اول تسالونیکیان ۲: ۱۴-۱۶، رنج‌های آنان را اینگونه توصیف می‌کند:

شما نیز از هموطنان خود همان آزارها را دیدید که آنان از یهودیان دیدند، از آنان که عیسای خداوند و پیامبران را کشتند و ما را نیز بیرون راندند. آنان خدا را خشنود نمی‌سازند و با همهٔ مردم دشمنی می‌ورزند، و نمی‌گذارند ما با غیر یهودیان سخن بگوییم تا نجات یابند (اول تسالونیکیان ۲: ۱۴-۱۶).

از زمانی که پولس برای نخستین بار در تسالونیکی موعظه کرد تا زمانی که رسالات خود را برای آنها نوشت، جفا خصوصیت برجستهٔ زندگی برای مسیح در تسالونیکی بود. وقتی پولس به ایمانداران در این شهر می‌نوشت، بسیار نگران این جفا و تاثیری بود که بر آنان می‌گذاشت.



### انبیای کذب

کلیسای تسالونیکی علاوه بر رنج جفا، تحت تاثیر انبیای کذب قرار گرفته بود. به نوعی، این موضوع تعجببرانگیز نیست. در وهله نخست، در سراسر تاریخ، وقتی مسیحیان دوره‌ای طولانی از جفا رنج برده‌اند، معمولاً مشتاق آن بوده‌اند که مسیح برگردد و آنها را از رنج‌های‌شان رها کند. به عبارت ساده‌تر، مسیحیان رنج‌کشیده مایل‌اند تمام زندگی خود را بر بازگشت ثانوی مسیح متمرکز کنند. وقتی این زندگی سرشار از رنج و ناامیدی می‌شود، چشم به روزی می‌دوزیم که عیسی ما را رها خواهد کرد.

در وهله دوم، وقتی مسیحیان، بسیار نگران بازگشت مسیح هستند، معمولاً مستعد پذیرش معلمین و انبیای کذب می‌شوند که دیدگاه‌هایی افراطی درباره بازگشت ثانوی دارند. و این دقیقاً همان چیزی است که در مورد تسالونیکیان اتفاق افتاد. معلمین کذب با باورهای گمراه درباره نزدیکی بازگشت مسیح به کلیسا آمده بودند. برای درک اینکه معلمین کذب چقدر در تسالونیکی مشکلات به وجود آوردند، به دو موضوع خواهیم پرداخت: مناقشه‌ای که بین انبیای کذب و پولس به وجود آمد، و محتوای تعالیم انبیای کذب. بیایید ابتدا به چالش نبوت کاذب بپردازیم.

در بسیاری از بخش‌های اول و دوم تسالونیکیان پیداست که معلمین کذب شدیداً مخالف تعالیم پولس بودند. برای مثال، وقتی او گزارش تیموتائوس درباره وضعیت کلیسای تسالونیکی را دریافت کرد، متوجه شد که انبیای کذب با ورود به مشارکت‌های ایمانداران، علیه بعضی از تعالیم او صحبت کرده‌اند. یکی از واکنش‌های پولس به این مسئله، یادآوری این نکته به تسالونیکیان بود که تمام نبوت‌ها را بسنجند. به سخنان او در اول تسالونیکیان ۵: ۲۰-۲۱ گوش کنید:

نبوت‌ها را خوار بشمارید. همه چیز را بیازمایید؛ به آنچه نیکوست، محکم بچسبید (اول تسالونیکیان ۵: ۲۰-۲۱).

پولس به تسالونیکیان تعلیم داد که همه چیز را بیازمایند و به آنچه نیکوست بچسبند، چون او می‌خواست که آنها محتوای تمام تعالیمی که دریافت کرده بودند را ارزیابی کنند. آنها می‌بایست با حفظ آنچه نیکو بود، تمام امور دیگری که با حقیقت آنچه از کتاب مقدس و تعالیم پولس آموخته بودند در مغایرت بود را نادیده می‌گرفتند. اما انبیای کذب به سادگی عقب‌نشینی نکردند. در عوض، آنها به تعلیم و موعظه آموزه‌های دروغین خود ادامه دادند. در حقیقت، آنها تا آنجا پیش رفتند که در تلاش برای ترغیب تسالونیکیان به پیروی از دیدگاه‌های‌شان، به نام پولس نامه جعل می‌کردند. وقتی پولس دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۲ را می‌نوشت، به طور واضح در مورد چنین فعالیت‌هایی نگران بود:

استدعا داریم از پیام نبوتی یا گفته یا نامه‌ای که گویا از ما باشد... متزلزل یا مشوش مشوید (دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۲).

نگرانی پولس در مورد نامه‌های جعلی در دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷ نیز دیده می‌شود. او می‌گوید:

من، پولس، به خط خود این سلام را می‌نویسم. این نشان ویژه همه نامه‌های من است. من چنین می‌نویسم (دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷).

پولس کلماتی را با دست‌خط خود به عنوان امضا اضافه کرد تا نامه‌های خود را از نامه‌های جعلی متمایز کند و امیدوار بود این به تسالونیکیان برای تشخیص نامه‌های او کمک کند و نبوت‌های کاذب را رد کنند. وقتی نامه‌های پولس به تسالونیکیان را می‌خوانیم، این مناقشه بین پولس و انبیای کذب مشکل دیگری برای ما به وجود می‌آورد. این انبیای کذب چه تعلیمی می‌دادند؟ نمی‌توانیم از تمام آنچه که تعلیم دادند مطمئن باشیم، اما هنگامی که جفای موجود در تسالونیک‌ها را به یاد می‌آوریم و محتوای رسالات پولس به تسالونیکیان را می‌سنجیم، می‌توانیم حدس بزنیم که انبیای کذب تصورات غلط گوناگونی از بازگشت ثانوی مسیح داشتند. اما مشکل اصلی آنان این بود که باور داشتند مسیح بلافاصله باز خواهد گشت. در حقیقت، اگرچه باورکردنی نیست، اما بعضی معلمین کذب حتی اعلام کرده بودند که مسیح بازگشته است. به دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۳ گوش کنید:

ای برادران، درباره آمدن خداوند ما عیسای مسیح و گرد آمدن ما نزد او، استدعا داریم از پیام نبوتی یا گفته یا نامه‌ای که گویا از ما باشد، بدین مضمون که روز خداوند هم‌اکنون فرا رسیده است، زود متزلزل یا مشوش مشوید. مگذارید هیچکس به هیچ طریقی شما را فریب دهد (دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۳).

از قرار معلوم، حداقل تعدادی از انبیای کذب تعلیم داده بودند که کلیسای تسالونیک‌ها بازگشت مسیح را ندیده و نشنیده است. ممکن است آنها این ایده را از یکی فرقه‌های مذهبی تسالونیک‌ها گرفته بودند که قهرمان محلی مقتولی به نام کبیروس را می‌پرستیدند که گفته می‌شد مکررا به دنیا بر می‌گردد. معلمین کذب، احتمالا با بیان اینکه مسیح به دنیا بازگشته است، چنین دیدگاه‌هایی را درباره ایمان مسیحی به کار گرفته بودند. منبع این انحراف هر چه که بود، پولس قویا انبیای کذب را محکوم کرد و به تسالونیکیان تعلیم داد که به آنچه قبلا به آنها درباره بازگشت مسیح گفته بود، محکم بچسبند.

## زندگی مسیحی

حال که دیدیم جفا، و نبوت دروغین چطور بین تسالونیکیان راه یافته بود، باید به بعضی راه‌های عملی نگاه کنیم که این مشکلات بر کلیسا تاثیر گذاشته بودند. نگرانی‌های مهم فراوانی در نامه‌های پولس به تسالونیکیان دیده می‌شوند اما ما بر دو مورد متمرکز می‌شویم: دلسردی و بی‌مسئولیتی. بیایید ابتدا به دلسردی تسالونیکیان نگاه کنیم. معمولاً، وقتی مسیحیان باور کرده‌اند که بازگشت مسیح بسیار قریب‌الوقوع است، ناگزیر دلسرد شده‌اند چون مسیح ظهور نکرده است. بسیاری از ایمانداران در تسالونیک‌کی تمام زندگی خود را حول محور بازگشت بلافاصله مسیح قرار داده بودند. آنها رنج کشیده بودند و از بسیاری چیزها به خاطر مسیح دست شسته بودند. با این حال، با گذشت ماه‌ها نه تنها ناامید شده بودند، بلکه بدتر از آن، تعداد زیادی از ایمانداران هم فوت کرده بودند. بازماندگان، نگران سرنوشت ابدی درگذشتگان بودند. این سردرگمی باعث شک شده بود، و شک منتهی به دلسردی. گوش کنید که پولس چطور آنها را با ملایمت در اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۴ اصلاح می‌کند:

ای برادران، نمی‌خواهیم از حال خفتگان بی‌خبر باشید، مبدا همچون دیگر مردمان که امیدی ندارند، به ماتم بنشینید. زیرا اگر ایمان داریم که عیسی مرد و برخاست، پس به همین سان خدا آنان را نیز که در عیسی خفته‌اند، با وی باز خواهد آورد (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۴).

پولس به تسالونیکیان اطمینان داد که اگرچه مقدسین درگذشته به لحاظ جسمی مرده‌اند، اما همچنان با مسیح زنده بودند و مسیح را در هنگام بازگشت همراهی می‌کردند.

علاوه بر دلسردی و سردرگمی، پیام انبیای کذب باعث زندگی غیرمسئولانه شده بود. درک آنچه در تسالونیک‌کی اتفاق افتاده بود، دشوار نیست. خود را به جای آنان بگذارید. اگر باور داشتید که ماه آینده دنیا به پایان می‌رسد، آیا همچنان سر کار می‌رفتید، یا خانه‌تان را تعمیر می‌کردید، یا ساختمانی جدید می‌ساختید؟ اگر کاملاً مطمئن بودید که بازگشت مسیح طی چند روز آینده اتفاق خواهد افتاد، دیگر فعالیت‌های معمول روزانه اهمیت چندانی نمی‌داشتند.

این دقیقاً همان چیزی است که در تسالونیک‌کی اتفاق افتاد. انبیای کذب برخی از مسیحیان را متقاعد کرده بودند که آنها دیگر نیازی به امرار معاش ندارند. نگرش آنان اینطور بود که وقتی مسیح به زودی بر خواهد گشت، چرا باید رنج کار را بر خود هموار کنیم؟ به همین دلیل است که پولس در اول تسالونیکیان ۴: ۱۱-۱۲ می‌نویسد که آنها باید به کار برگردند:

آرزومند این باشید که زندگی آرامی داشته باشید و سر به کار خویش مشغول بدارید و با دست‌های خود کار کنید، همانگونه که شما را حکم کردیم. بدین سان، زندگی روزمره شما احترام مردم بیرون را بر خواهد انگیخت، و محتاج کسی نیز نخواهید بود (اول تسالونیکیان ۴: ۱۱-۱۲).

متأسفانه، حتی بعد از اینکه پولس توجه به تلاش‌های روزمره را تشویق کرد، همچنان بعضی از ایمانداران به مسئولیت‌های خود بر نگشتند. بنابراین، پولس دوباره در دوم تسالونیکیان به این موضوع با تأکید بیشتری اشاره کرد. او در دوم تسالونیکیان ۳: ۶-۱۲ نوشت:

ای برادران، به نام خداوند عیسای مسیح به شما حکم می‌کنیم که از هر برادری که کاهلی پیشه کرده است و مطابق تعلیمی که از ما گرفته‌اید رفتار نمی‌کند، دوری کنید... زمانی که ما با شما بودیم، کاهلی نکردیم و نان کسی را مفت نخوردیم، بلکه شب و روز کار کردیم و زحمت کشیدیم تا سر بار هیچ یک از شما نباشیم. نه اینکه چنین حقی نداریم، بلکه می‌خواستیم نمونه‌ای به شما بدهیم تا از ما سرمشق بگیرید. زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما دادیم که «هر که نمی‌خواهد کار کند، نان هم نخورد.» شنیده‌ایم در میان شما برخی کاهلی پیشه کرده‌اند. اینان کار نمی‌کنند، بلکه در کارهای دیگران فضولی می‌نمایند. پس به نام خداوند عیسای مسیح، چنین کسان را حکم می‌کنیم و پند می‌دهیم که آرام و قرار بگیرند و برای تأمین معاش خود به آرامی کار کنند (دوم تسالونیکیان ۳: ۱۲-۶).

نبوت‌های دروغین درباره بازگشت قریب‌الوقوع مسیح، تسالونیکیان را تشویق کرده بود تا تنبل و بیکار شوند. و بیکاری منجر به مشکلات دیگری شده بود.

بنابراین می‌بینیم که مشکلات در تسالونیکی فراوان، اما مرتبط بودند. جفا، در را به روی تصورات غلط درباره بازگشت بلافاصله مسیح گشوده بود. و آن باورهای اشتباه منجر به مشکلات عملی نظیر دلسردی و بی‌مسئولیتی شده بود. پولس امیدوار بود نامه‌های او به کلیسای تسالونیکی به آنان کمک کند تا با این مشکلات دشوار روبرو شوند.

اکنون که به برخی از مشکلات مهمی نگاه کردیم که پیش‌زمینه رسالات پولس به تسالونیکیان را شکل دادند، آماده‌ایم که به محتوای این نامه‌ها بپردازیم.

## ساختار و محتوا

پولس چه به تسالونیکیان نوشت؟ او چطور به مشکلات پیچیده آنها واکنش نشان داد؟ ما با خلاصه محتوای بخش‌های اصلی رسالات به تسالونیکیان، مختصراً به کنکاش در هر یک از این نامه‌ها خواهیم پرداخت. بیایید با اول تسالونیکیان آغاز کنیم.

### اول تسالونیکیان

اول تسالونیکیان به پنج بخش اصلی تقسیم می‌شود: نخست، تحیات در ۱: ۱؛ دوم، گزارشی از شکرگزاری در ۱: ۲-۲؛ سوم، مباحثه‌ای درباره غیبت پولس در ۲: ۱۷-۳؛ چهارم، تعالیم پولس برای کلیسا در ۴: ۱-۵؛ پنجم، برخی سخنان پایانی در ۵: ۲۳-۲۸.

### تحیات و سخنان پایانی

مانند بسیاری دیگر از نامه‌های پولس، بخش‌های ابتدا و انتهای اول تسالونیکیان مختصر و ساده هستند. تحیات بیان می‌کند که نامه خطاب به تسالونیکیان، و از سوی پولس بود. جالب توجه است که همچنین به سیلاس و تیموتائوس به عنوان همکاران در نگارش این نامه اشاره می‌کند. البته، سیلاس و تیموتائوس سهمی از اقتدار رسولانی پولس نداشتند و بنابراین، تنها بر پایه اقتدار خود پولس است که این نامه در کتاب مقدس جای گرفت. با این وجود، اشاره به سیلاس و تیموتائوس به این حقیقت اشاره می‌کند که این نامه لغزش‌ناپذیر کاملاً از یک دیدگاه انسانی نوشته شده است. قسمت پایانی نیز بسیار ساده است و شامل دعای برکت، درخواست دعا، و تحیات نهایی است. اما وقتی به قسمت دوم از اول تسالونیکیان می‌رویم، با بخش پیچیده‌ای از کتاب روبرو می‌شویم. تمام این بخش گزارش سپاسگزاری پولس از خدا است و به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود.

### شکرگزاری

نخست، در ۱: ۲-۱۰، پولس توضیح داد که او خدا را برای پایداری تسالونیکیان در رنج‌ها شکر کرد. همانطور که دیدیم، یهودیان بی‌ایمان و غیریهودیان بر ایمانداران تسالونیک‌گرا جفا می‌کردند. اما این ایمانداران در تعهد خود به مسیح، متزلزل نشدند. در مقابل، امید آنان در او قوی‌تر شد. به شکرگزاری پولس برای آنان در اول تسالونیکیان ۱: ۶-۷ گوش کنید:

شما از ما و از خداوند سرمشق گرفتید و در رنج بسیار، کلام را با آن شادی که روح‌القدس می‌بخشد، استقبال کردید. بدین‌گونه شما برای همه ایمانداران مقدونیه و اخائیه سرمشقی بر جای گذاشتید (اول تسالونیکیان ۱: ۶-۷).

تسالونیکیان با شادی به جفا واکنش نشان دادند و وفاداری آنان مثال‌زدنی بود. در ۲: ۱-۱۲ پولس با ابراز سپاسگزاری نسبت به شناختی که تسالونیکیان از او داشتند ادامه داد. این نکته از آنجا اهمیت داشت که انبیای کذب مکرراً انگیزه‌های پولس را به چالش می‌کشیدند. او در اول تسالونیکیان ۲: ۹-۱۰ این سخنان را نوشت:

شما ای برادران، به یقین محنت و مشقت ما را به یاد دارید، که شب و روز کار می‌کردیم تا وقتی انجیل خدا را به شما وعظ می‌کنیم، سر بار کسی نباشیم. شما شاهدید و خدا خود نیز گواه است که با چه پاکی و درستی و بی‌عیبی با شما ایمانداران رفتار کردیم (اول تسالونیکیان ۲: ۹-۱۰).

انبیای کذب کوشیده بودند تا با ادعای بهره‌برداری پولس از تسالونیکیان و اینکه او آنان را همراه ساخته و از اقتدار خود درباره آنها سوءاستفاده کرده است، او را بی‌اعتبار کنند. ظاهراً حداقل بعضی ایمانداران این شایعات را باور کرده بودند. به همین دلیل، پولس به آنان گفت که چقدر خوشحال است که آنها او را به چشم خود دیده‌اند. و البته، او این را گفت تا به تسالونیکیان یادآوری کند که به قدر کافی او را خوب می‌شناسند که اتهامات دروغین منتسب به او را رد کنند.

به شکل بسیار مشابهی، در سومین بخش شکرگزاری که در ۲: ۱۳-۱۶ آمده، پولس شکرگزاری می‌کند که تسالونیکیان اقتدار او را تشخیص داده بودند. گوش کنید که او چطور این موضوع را در اول تسالونیکیان ۲: ۱۳ بیان می‌کند:

نیز ما خدا را پیوسته شکر می‌گوییم که شما به هنگام پذیرفتن کلام خدا، که از ما شنیدید، آن را نه چون سخنان انسان، بلکه چون کلام خدا پذیرفتید، چنانکه به راستی نیز چنین است؛ همان کلام اکنون در میان شما که ایمان دارید، عمل می‌کند (اول تسالونیکیان ۲: ۱۳).

تسالونیکیان تعالیم پولس را به عنوان کلام خدا شنیده بودند، و این به پولس اطمینان می‌داد که آنها به تعالیم او وفادار خواهند ماند و انبیای کذب را رد می‌کنند.

پولس بعد از انگیزه بخشیدن به تسالونیکیان برای وفاداری بیشتر، با بیان اینکه چقدر به خاطر آنها شکرگزار بود، به سومین بخش اصلی رساله در ۲: ۱۷-۳: ۱۳ می‌رود. در این بخش او درباره جدایی حاصل از سفرهایش صحبت می‌کند. این بخش نیز به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود.

### غیبت پولس

در ۲: ۱۷-۳: ۵، پولس به تسالونیکیان از نگرانی قلبی مستمر خود برای آنها اطمینان داد. او این نگرانی را با فرستادن تیموتائوس برای دیدارشان نشان داد. به کلمات پولس در اول تسالونیکیان ۳: ۱-۲ گوش کنید:

سرانجام چون دیگر طاقت نداشتیم، رضا دادیم که ما را در آتن تنها وا گذارند. پس تیموتائوس را که برادر ما و همکار خدا در کار انجیل مسیح است، نزدتان فرستادیم تا شما را در ایمان تان تقویت و تشویق کند (اول تسالونیکیان ۳: ۱-۲).

علاوه بر نگرانی قلبی شبانی، پولس در ۳: ۶-۱۰ شادی خود از اخباری را ابراز می کند که تیموتائوس از تسالونیکه آورده بود. خبرها این بود که ایمانداران محکم در ایمان شان ایستاده اند و همان قدری که پولس دلتنگ آنان بود، آنها نیز دلتنگ او بودند. این خبرها چنان پولس را هیجان زده کردند که در اول تسالونیکیان ۳: ۸-۹ نوشت:

اکنون می توانیم نفسی به راحت بر آوریم، زیرا شما در خداوند استوارید. اما چگونه می توانیم به شکرانه این همه شادی که به خاطر شما در حضور خدای خود یافته ایم، او را سپاسی به سزا بگوییم؟ (اول تسالونیکیان ۳: ۸-۹).

شنیدن چیزهای خوبی که تیموتائوس به پولس گزارش داد، نگرانی او را به شادی و اطمینان تبدیل کرد. در سومین بخش در ۳: ۱۱-۱۳، پولس برای تسالونیکیان دعا کرد و از پدر خواست تا راه را برای دیدار مجدد آنها هموار کند.

### تعالیم

چهارمین بخش اصلی این نامه در ۴: ۱-۵: ۲۲ جریان دارد. همانطور که دیدیم، ایده بازگشت بلافاصله مسیح بسیاری از ایمانداران تسالونیکه را آنچنان پریشان حواس کرده بود که آنها علاقه شان برای زندگی در دنیای کنونی را از دست داده بودند. بنابراین، پولس با هدف اصلاح مشکلات موجود و جلوگیری از مشکلات آینده، تعلیماتی به آنها داد. او نمی خواست تسالونیکیان از امیدشان به بازگشت مسیح دست بکشند، اما می خواست بدانند که شاید مسیح بلافاصله برنگردد. او می خواست که آنها در این فاصله به همان شکلی زندگی کنند که خداوند فرمان داده بود. این بخش نسبتاً طولانی است و از یک مقدمه کوتاه که در پی آن بدنه اصلی تعلیم پولس می آید تشکیل شده است.

نخست، ۴: ۱-۲ این بخش را معرفی می‌کند. در اینجا پولس به همه تسالونیکیان دستور می‌دهد تا از دستورات اولیه او اطاعت کنند. البته او می‌داند که وسوسه ناطاعتی از دستورات او شدید است چون مخالفین پولس به طور ضمنی - و شاید حتی به صراحت - وعده‌رهایی از بندها و مسئولیت‌های زمینی را داده بودند. بنابراین پولس به تسالونیکیان یادآوری کرد که تعالیم او از اقتدار عیسی مسیح خداوند برخوردارند؛ اگر تسالونیکیان به کلام خدا بی‌توجهی می‌کردند، خود خدا آنان را توبیخ می‌کرد.

دوم، در ۴: ۳-۵: ۲۲، پولس به تعدادی از عرصه‌های مشخص اشاره کرد که امید داشت مسیحیان تسالونیکي در برابر گناه جبهه بگیرند و اطاعت‌شان از مسیح را افزایش دهند. همانطور که اشاره کردیم، او به طور خاص به گناهی توجه داشت که ممکن بود از طریق تعلیمات غلط در کلیسای تسالونیکي ترویج شوند.

پولس با دستور به پاکی جنسی در ۴: ۳-۸ آغاز می‌کند. به طور تاریخی، فساد جنسی مشخصه گروه‌های بسیاری بود که باور داشتند پایان دنیا بسیار نزدیک است. احتمالاً مناسب‌ترین مثال را می‌توان در فرقه مذهبی شهر تسالونیکي یافت که بازگشت خیالی خدای‌شان کبیروس را با پرستشی آمیخته به رفتارهای فاسد جنسی جشن می‌گرفتند. پولس این بخش را با تاکید دیگری بر اقتدار الهی در پس سخنانش، قدرتمندانه به پایان می‌برد.

در ۴: ۹-۱۰، پولس تسالونیکیان را به خاطر محبت برادرانه‌شان مورد ستایش قرار داد و آنان را تشویق کرد تا بیشتر محبت کنند. محتوای این فصل اشاره می‌کند که یکی از راه‌های حقیقی برای ابراز محبت امرار معاش است تا باری بر دوش دیگران نشویم.

در ۴: ۱۱-۱۲، پولس به تسالونیکیان دستور داد تا خود را در کار و زحمت مفید روزانه مشغول کنند. بعضی از ایمانداران تسالونیکي آنچنان شیفته ایده بازگشت بلافاصله مسیح شده بودند که از مشاغل روزانه‌شان دست کشیده بودند. از آنجایی که این افراد شخصاً ثروتمند نبودند، به باری اقتصادی بر دوش کلیسای سخاوتمند تسالونیکي تبدیل می‌شدند. علاوه بر این، کاهلیتی که آنها از خود نشان داده بودند باعث لطمه به اعتبار کلیسا در چشمان بی‌ایمانان شده بود.

در ۴: ۱۳-۱۸، پولس رسول تسالونیکیان را نصیحت می‌کند تا یکدیگر را به امید آینده تجدید دیدار با عزیزان درگذشته در خداوند، تشویق کنند. متأسفانه، تعلیم غلط در تسالونیکي باعث شده برخی بترسند که هیچکدام از افرادی که پیش از بازگشت مسیح فوت کرده‌اند، نجات نخواهند یافت.

در ۵: ۱-۱۱، پولس به کلیسا یادآوری می‌کند که وقتی خداوند برگردد، نامطیع را محکوم می‌کند و وفادار را پاداش می‌دهد. پولس می‌خواهد روشن کند که بازگشت مسیح، به جای اینکه دلیلی برای کاهلی و فساد باشد، باید انگیزه تمام ایمانداران برای یک زندگی مقدس باشد.

در ۵: ۱۲-۱۳، پولس اقتدار رهبران قانونی کلیسای تسالونیکي را دوباره تایید می‌کند. او مردانی را مسئول قرار داده بود که به آموزه‌های صحیح وفادار بودند و با معلمین کذب مخالفت می‌کردند. در نتیجه، کلیسای تسالونیکي



پیام‌های مختلطی از رهبران حقیقی‌اش در یک سو، و معلمین کذب در سوی دیگر دریافت می‌کرد. پولس روشن ساخت که تعالیم رهبریت مستقر باید پیروی شود و تعالیم انبیای کذب رد شوند.

پولس در آیات باقی‌مانده به موضوعات گوناگونی رسیدگی کرد که همگی برای تایید دوباره تعالیم پیشین او در همین قسمت و برای بازداشتن افراد از واکنش بیش از حد به مشکلاتی بود که معلمین کذب به وجود آورده بودند. در ۵: ۱۴ او نشان داد که کلیسا به جای حمایت از افراد تنبل، باید به آنان هشدار دهد. اما همچنین او نمی‌خواست آنانی که نمی‌توانستند امرار معاش کنند طرد شوند، بنابراین به آنان یادآوری می‌کند تا به آنهایی که حقیقتاً محتاج بودند خدمت کنند.

در ۵: ۱۵ او از بدرفتاری با ایماندارانی که تحت تاثیر معلمین کذب قرار گرفته بودند جلوگیری کرد و تعالیم داد که همه، بدی را با نیکی پاسخ دهند.

در ۵: ۱۶-۱۸، پولس به شادی در میانه سختی‌هایی که کلیسا با آن روبرو بود تشویق می‌کند، و یک بار دیگر بر اقتدار الهی در پس سخنانش تاکید می‌کند.

در ۵: ۱۹-۲۲، او روشن ساخت که مخالفت او با انبیای کذب به معنی رد تمام نبوت‌ها و تعالیم جدید نیست. در عوض، تمام چنین سخنانی باید سنجیده می‌شدند و فقط آنچه دروغ بود دور ریخته می‌شد.

این تعالیم گسترده، به نگرانی‌های عملی بسیار مختلفی پرداخت. در هر یک از موارد، نگرش پولس بسیار مثبت بود. تسالونیکیان کارشان را به خوبی انجام دادند و پولس آنها را به همین، فرمان داده بود. اما او همچنین به آنها تاکید کرد که در رشد ایمان و خدمت‌شان به مسیح ادامه دهند.

حال که بررسی اجمالی اول تسالونیکیان را انجام دادیم، باید به محتوا و ساختار دوم تسالونیکیان نگاه کنیم.

## دوم تسالونیکیان

دوم تسالونیکیان نیز به پنج بخش اصلی تقسیم می‌شود. تحیات در ۱: ۱-۲؛ گزارش دیگری از شکرگزاری و تشویق در ۱: ۳-۱۰؛ دعای پولس برای تسالونیکیان در ۱: ۱۱-۱۲؛ تعالیم پولس در ۲: ۱-۳؛ ۱۵؛ و موارد پایانی در ۳: ۱۶-۱۸.

## تحیات و خاتمه

نامه دوم پولس به تسالونیکیان نیز با شباهت زیادی به نامه اول او آغاز می‌شود. تحیات کوتاه و واضح است، و نشان می‌دهد که نامه خطاب به کلیسای تسالونیکي نوشته شده بود. و مثل اول تسالونیکیان، تحیات این نامه هم توضیح می‌دهد که نامه نه فقط از سوی پولس، بلکه از طرف سیلاس و تیموتائوس نیز هست. دوباره باید بگوییم که سیلاس و تیموتائوس لغزش‌ناپذیر نبودند و با اقتدار رسولانی نوشتند. با این وجود، نویسندگی پولس

تضمین می‌کند که همه چیز در این نامه حقیقت است، و اقتدار او ما را ملزم می‌کند که هر آنچه این نامه تعلیم می‌دهد را باور، و از آن اطاعت کنیم. در حقیقت، وقتی به خاتمه کوتاه نامه نگاه کنیم، واضح است که پولس واقعا نویسنده اصلی بود. این را از آنجا می‌توانیم تشخیص دهیم که پولس، و تنها پولس، به دست خود نامه را امضا کرد تا به آن در برابر نمونه‌های جعلی، اعتبار ببخشد.

### شکرگزاری و تشویق

در بخش دوم، شامل ۱: ۳-۱۰، پولس دوباره درباره شکرگزاری خود به جهت ایمان و محبت تسالونیکیان، به خصوص در مواجهه با جفا، صحبت می‌کند. اگرچه او مجبور بود برای اشاره به برخی مشکلات مشابه، دوباره به آنها نامه بنویسد، اما پولس همچنان احترام زیادی برای تسالونیکیان قائل بود. او همچنین، با بیان اینکه چطور نزد کلیساهای دیگر به پایداری آنها افتخار می‌کند، آنان را مورد تشویق قرار داد. به سخنان او در دوم تسالونیکیان ۱: ۴ گوش کنید:

ما در کلیساهای خدا به خاطر پایداری و ایمان شما در تحمل آزارها و سختی‌ها، به وجودتان افتخار می‌کنیم (دوم تسالونیکیان ۱: ۴).

### دعا

در قسمت سوم، که در ۱: ۱۱-۱۲ یافت می‌شود، پولس توضیح داد که او مدام برای تسالونیکیان دعا کرده است و آنها در مشکلاتشان تنها نبودند. او، تیموتائوس، و سیلاس روز و شب دعا کرده بودند تا خدا قدرتمندانه در آنان کار کند و آنها را در خدمتشان به مسیح، وفادار و مفید بسازد.

### تعالیم

بخش چهارم شامل مجموعه‌ای از تعالیم می‌شود که در ۲: ۱-۳: ۱۵ آمده است. این بخش طولانی، بیشترین سهم را در نامه دارد. تعالیم پولس به سه قسمت تقسیم می‌شوند. نخست، در ۲: ۱-۱۷، پولس به آنان درباره بازگشت مسیح تعلیم می‌دهد. ما بعدا در این درس با دقت بیشتری به این آیات نگاه خواهیم کرد، به همین دلیل اینجا منحصرأ به این نکته توجه می‌کنیم که پولس انکار کرد که مسیح برگشته است. همانطور که او در ۲: ۳ می‌گوید:

تا نخست آن عصیان واقع نشود و آن و مرد بی‌دین که فرزند هلاکت است به ظهور نرسد، آن روز فرا نخواهد رسید (دوم تسالونیکیان ۲: ۳).

سپس، در ۳: ۱-۵، پولس از تسالونیکیان می‌خواهد که برای امنیت و موفقیت خدمت او و همکارانش دعا کنند. سوم، در ۳: ۶-۱۵، پولس علیه بی‌مسئولیتی هشدار می‌دهد و به تسالونیکیان می‌گوید به سر کارهای خویش برگردند و امرار معاش کنند. همانطور که او در ۳: ۱۰ می‌گوید:

زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما دادیم که «هر که نمی‌خواهد کار کند، نان هم نخورد» (دوم تسالونیکیان ۳: ۱۰).

همانطور که می‌توانیم ببینیم، دو نامه کوتاه پولس به تسالونیکیان، از جهات بسیاری به یکدیگر شبیه‌اند. هر دو بیانگر اعتماد و شادی او درباره این کلیسا و نیز سپاسگزاری او برای وفاداری‌شان در غیاب وی هستند. در عین حال، پولس می‌داند که مشکلات جدی‌ای در غیاب او به وجود آمده بودند که تسالونیکیان را نه یک بار، بلکه حداقل دو بار با نوشتن این دو نامه تعلیم می‌دهد. نگرانی اصلی او این بود که آنها به مسیح و تعالیم او وفادار بمانند، با مسئولیت‌پذیری در امور روزانه زندگی کنند، و دیدگاهی صحیح درباره بازگشت خداوند داشته باشند. تا اینجا کنکاشی در پیش‌زمینه نامه‌های پولس به کلیسای تسالونیک و محتوای اصلی این رسالات داشتیم. اکنون می‌توانیم به سومین موضوع نگاه کنیم. این رسالات چگونه بازتابی از دیدگاه محوری الاهیات پولس درباره «روزهای آخر» یا آخرت‌شناسی او است؟

## دیدگاه‌های الاهیاتی

پولس در نامه‌های خود به تسالونیکیان، به مشکلات خاصی که به زندگی آنان مربوط می‌شدند اشاره کرد. او درباره انبیای کذب، و زندگی وفادارانه و مسئولیت‌پذیر نوشت و همچنین، دیدگاه‌های آنان درباره بازگشت ثانوی مسیح را اصلاح کرد. اما همانطور که در درس پیشین دیدیم، مفید است که تعالیم خاصی که پولس در این نامه‌ها آورده را از تعهدات الاهیاتی اساسی و اصولی که زیربنای همه تعالیم او است، تشخیص دهیم. رسالات پولس به تسالونیکیان مانند نامه‌های دیگر او، از محور الاهیات وی بر می‌خیزد که ما آن را آخرت‌شناسی او نامیدیم.

به یاد دارید که آخرت‌شناسی پولس از دیدگاه‌های معمول عهد عتیق دربارهٔ نقشهٔ خدا برای تاریخ ریشه می‌گرفت. اکثریت یهودیان در قرن اول، باور داشتند که تاریخ به دو بخش تقسیم شده است: «عصر حاضر» و «عصر آینده». «عصر حاضر» اصطلاحی فنی برای این عصر گناه، داوری، و مرگ بود. «عصر آینده»، عصر داوری نهایی علیه دشمنان خدا و برکات نهایی برای قوم خدا بود. در این دیدگاه، ظهور ماشیح، یا مسیح، نقطهٔ عطف بین این دو عصر بود. وقتی ماشیح آمد، عصر حاضر را پایان می‌بخشید و عجایب عصر آینده را نشان می‌داد.

پولس و دیگر رسولان به عنوان پیروان مسیح، این الگوی سادهٔ دو عصری تاریخ را تعدیل کردند. آنها می‌دانستند که عیسی، ماشیح بود و نیز اینکه عیسی، عصر آینده را آغاز کرده بود. اما همچنین، آنها تشخیص می‌دادند که عصر آینده در کمال خود نرسیده و عصر حاضر نیز پایان نیافته است. بنابراین، آنها توضیح دادند که پیروان مسیح در دوره‌ای زندگی می‌کنند که می‌توان آن را با عنوان «هم‌اینک و نه هنوز» توصیف کرد. یعنی زمانی که عصر آیندهٔ نجات ابدی «هم‌اینک» به طرقتی حاضر است، اما «نه هنوز» در کمال خود.

این الگوی آخرت‌شناسی تنازعات دشواری به کلیسای اولیه ارائه کرد که طبیعتاً سوالی به وجود آورد: چقدر از عصر آینده هم‌اینک فرا رسیده است؟ وقتی مسیحیان کوشیدند تا به این سوال پاسخ دهند، بعضی از آنها مواضع افراطی پیدا کردند. همانطور که در درس «پولس و غلاطیان» دیدیم، برخی از مسیحیان به گونه‌ای رفتار می‌کردند که گویی عصر آینده به هیچ شکل خاصی فرا نرسیده و دستاوردهای مسیح در آمدن نخست او را دست کم می‌گرفتند. ما این دیدگاه نامتعادل را «آخرت‌شناسی ناقص» نامیدیم.

اما در تسالونیک، افراط دیگری شایع شده بود. تسالونیکیان چیزی ایجاد کردند که ما آن را «آخرت‌شناسی دو آتش» می‌خوانیم. بسیاری تحت تاثیر انبیای کذب، باور داشتند که پایان عصر آینده هم‌اینک رخ داده یا در شرف وقوع است. و به همین دلیل، بسیاری از مسائل مربوط به زندگی در عصر حاضر را بی‌معنی می‌دیدند. پولس متوجه شده بود که این «الاهیات دو آتش» تسالونیکیان را به سوی مشکلات جدی سوق داده است. بنابراین، پولس به آنها نامه نوشت تا به آنان دیدگاهی متعادل‌تر دربارهٔ همپوشانی عصر حاضر و عصر آینده بدهد.

پولس کوشید تا با تعدیل دیدگاه تسالونیکیان دربارهٔ زمان‌های آخر، به مشکل آنها پاسخ بدهد. او حداقل از سه راه مهم این کار را انجام داد. نخست، او آموزهٔ نجات را به شکلی توضیح داد که آخرت‌شناسی تسالونیکیان را تعدیل کرد. دوم، پولس درک خود از زمان‌های آخر را به سیرت یا اخلاقیات مسیحی مربوط ساخت. و سوم، او به تسالونیکیان نسبت موضع تاریخی آنها و وقایع پیش از بازگشت مسیح را نشان داد.

بیا بیا ابتدا ببینیم که آموزهٔ نجات پولس چگونه به تسالونیکیان برای تعادل یافتن در آخرت‌شناسی‌شان

کمک کرد.

## آموزه نجات

پولس تلاش کرد تا با جلب توجه تسالونیکیان به ابعاد نجات در مسیح که آنها تا حد زیادی نادیده گرفته بودند، از آتش «آخرت‌شناسی دو آتش» آنها بکاهد. بسیاری از تسالونیکیان تحت تاثیر انبیای کذبه، تقریباً به طور کامل نجات را با برکاتی می‌شناختند که همراه بازگشت مسیح می‌آمدند. هیچ چیز دیگری به غیر از نجاتی که با بازگشت مسیح حاصل می‌شد، مهم نبود. در پاسخ به این تاکید بیش از اندازه بر آینده، پولس نشان داد که آن نجاتی که در زمان بازگشت مسیح به کار بسته می‌شود، به نجاتی بستگی دارد که قبلاً اتفاق افتاده است. دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴، شرح مفیدی از دیدگاهی است که پولس می‌خواست تسالونیکیان داشته باشند. به سخنان او گوش کنید:

اما ای برادران که محبوب خدايید، ما باید همواره خدا را به خاطر وجود شما شکر گوئیم، زیرا خدا شما را از آغاز برگزید تا به واسطه عمل تقدیس‌کننده روح و ایمان به حقیقت نجات یابید. او شما را به واسطه انجیل ما فرا خواند تا از جلال خداوند ما عیسی مسیح برخوردار شوید (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴).

درباره این آیات می‌توان زیاد سخن گفت، اما ما به سه بُعد نجات که اینجا توصیف شده است توجه می‌کنیم. نخست، خواهیم دید که پولس چطور توجهات را به نجات در گذشته جلب می‌کند، سپس توجه‌مان را به ارتباط آن با نجات آینده معطوف می‌کنیم، و در نهایت بررسی خواهیم کرد که چطور این متن به بُعد کنونی یا حاضر نجات می‌پردازد. بیایید ابتدا ببینیم که پولس چطور نجات در گذشته را توصیف کرد.

## نجات در گذشته

با توجه به بُعد گذشته نجات، پولس درباره انتخاب خدا، یا برگزیدگی تسالونیکیان صحبت می‌کند. پولس گفت که خدا تسالونیکیان را «برگزید»، که یعنی پیش از آنکه تسالونیکیان از طریق موعظه انجیل توسط پولس ایمان بیاورند، خدا تصمیم گرفته بود که تسالونیکیان را دوست بدارد و می‌خواست آنها را نجات بدهد. در واقع این انتخاب، پیش از آنکه خدا جهان را خلق کند، انجام شده بود. گوش کنید که پولس چطور درباره برگزیدن افراد برای نجات توسط خدا در افسسیان ۱: ۴ سخن می‌گوید:

پیش از آفرینش جهان، ما را در وی [مسیح] برگزید تا در حضورش مقدس و بی‌عیب باشیم (افسسیان ۱: ۴).

به نظر می‌رسد که همین اندیشه در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ هم تکرار شده است؛ آنجا که پولس می‌نویسد:

خدا شما را برگزید تا به واسطه عمل تقدیس‌کننده روح و ایمان به حقیقت نجات یابید (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳).

منظور پولس واضح است: تسالونیکیان نجات یافته بودند چون خدا آنان را برای نجات انتخاب کرده بود. بنیان نجات در انتخاب‌هایی نیست که انسان در تاریخ انجام داده، بلکه در اراده ازللی خدا است.

اکنون، مهم است درک کنیم که برای پولس، برگزیدگی یک عمل منفصل و غیرمترقبه نبود. همانطور که در افسسیان ۱: ۴ خواندیم، انتخاب خدا «در مسیح» انجام شده بود. و همانطور که در دروس دیگر دیدیم، «در مسیح بودن» به معنی در اتحاد بودن با عیسی است، به طوری که وقتی او به واسطه مرگ و رستاخیزش از عصر حاضر به عصر بعدی منتقل شد، ما نیز چون با او متحد هستیم، همراه وی از عصر حاضر به عصر آینده منتقل شده‌ایم. بنابراین، وقتی پولس برگزیدگی تسالونیکیان را به آنها یادآوری می‌کرد، این را در ذهن داشت که خدا آنان را انتخاب کرد تا با عیسی متحد باشند و با او از عصر حاضر به عصر آینده منتقل شوند.

به همین دلیل است که پولس درباره بعد دیگری از نجات تسالونیکیان که در گذشته اتفاق افتاده بود نیز نوشت؛ یعنی تبدیل آنها. دقت کنید که در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۴ پولس گفت که «او [خدا] شما را به واسطه انجیل ما فرا خواند.» پولس تسالونیکیان را «به واسطه انجیل» خود به نجات «خوانده» بود. در اینجا پولس به زمانی اشاره می‌کند که انجیل مسیح را در خلال دومین سفر بشارتی‌اش به تسالونیکیان موعظه کرده بود. آنان خبر خوش مسیح را شنیده و ایمان آوردند و این واکنش اولیه به انجیل، موجب نجات آنان شد.

در اول تسالونیکیان ۱: ۴-۵ پولس از نجات به عنوان چیزی صحبت کرد که هم در انتخاب ازللی خدا و همچنین در ایمان اولیه تسالونیکیان رخ داد.

از برگزیدگی شما آگاهیم. چرا که انجیل ما تنها نه با کلمات، بلکه با قدرت و روح‌القدس و یقین کامل به شما رسید (اول تسالونیکیان ۱: ۴-۵).

تبدیل تسالونیکیان ثابت کرد که خدا آنها را برای نجات انتخاب کرده بود. با اشاره به این ابعاد گذشته نجات که پیش از این در زندگی تسالونیکیان دیده شده بود، پولس انجیلی که قبلاً به آنان موعظه کرده بود را دوباره تایید کرد و به آنان اطمینان داد که جوانب مشخصی از نجات را تجربه کرده‌اند.

### نجات آینده

راه دومی که پولس در نامه‌های خود به تسالونیکیان، توجهات را به نجات جلب می‌کند، با تمرکز بر ابعاد آینده نجات آنان است. برای مثال، در اول تسالونیکیان ۱: ۱۰ پولس خطاب به ایمانداران نوشت که:

در انتظار آمدن پسر او [خدا] از آسمان باشید، که از مردگان برخیزانیدش، یعنی عیسی، که ما را از غضب آینده رهایی می‌دهد (اول تسالونیکیان ۱: ۱۰).

به طریق بسیار مشابهی، در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۴، او نشان داد که پایان نهایی رستگاری الهی این است

که تا از جلال خداوند ما عیسی مسیح برخوردار شوید (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۴).

علیرغم این حقیقت که تسالونیکیان بیش از حد نگران بازگشت مسیح بودند، پولس تأیید کرد که بازگشت مسیح در آینده، نجات را به کمال خود می‌رساند. همانطور که تسالونیکیان به خوبی می‌دانستند، هدف غایی نجات، رهایی نهایی از خشم الهی و جلال بخشیدن پیروان مسیح است. پولس ترسی نداشت که اعتراف کند در آینده وقتی ما همراه مسیح در آسمان و زمین جدید حکمرانی کنیم، دگرگونی کامل و بنیادینی به مرحله افتخار و جلال غیر قابل تصویری را تجربه خواهیم کرد.

### نجات کنونی

در بخش سوم، پولس علاوه بر اشاره به جوانب گذشته و آینده نجات، همچنین از نجات به عنوان حقیقتی جاری و حاضر صحبت می‌کند. او از دو راه به این بُعد از نجات در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ اشاره کرد:

خدا شما را از آغاز برگزید تا به واسطه عمل تقدیس‌کننده روح و ایمان به حقیقت نجات یابید (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳).

از یک سو پولس اشاره کرد که نجات از طریق «عمل تقدیس‌کننده روح» محقق می‌شود. همانطور که در دروس دیگر دیدیم، زمانی که مسیح صعود کرد، نزول روح‌القدس بر قوم خدا رخ داد. و پولس اشاره کرد که این یکی از برکات عصر آینده بود. در حقیقت، در افسسیان ۱: ۱۴ او روح‌القدس را «بیعانه» میراث آتیۀ ما در عصر عالی آینده

می‌خواند. بنابراین، وقتی پولس به کار روح‌القدس در تسالونیکیان اشاره کرد، توجه آنان را به این حقیقت شگرف معطوف ساخت که آنان هم‌اینک در حال تجربهٔ میزانی از میراثی بودند که مشتاقانه انتظار آن را می‌کشیدند. خدمت روح‌القدس در زمانی که عصر حاضر و عصر آینده همپوشانی پیدا می‌کنند، بسیار مهم است. فساد این عصر گناه و مرگ، دائماً در پی نابودی ایمانداران است. اما روح‌القدس به عنوان نوبر عصر آینده، مدام ما را تقدیس و از فساد این دنیا جدا می‌کند.

از سوی دیگر، پولس با ذکر اینکه ما از طریق «ایمان به حقیقت» نجات یافتیم در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، به ابعاد کنونی نجات اشاره می‌کند. در اینجا او دربارهٔ مسئولیت تمام ایمانداران در حفظ تعهدات‌شان به خدا و ایمان مسیحی صحبت می‌کند، و تسالونیکیان را تشویق می‌کند تا از انبیای کذب رویگردان شوند و حقیقتی را که او به آنها بیان کرد، دوست داشته باشند. تداوم باور به حقیقت، بعدی اساسی از کار نجات‌بخش مسیح در زندگی آنان بود. در سراسر تاریخ کلیسا، گروه‌هایی از مسیحیان مانند تسالونیکیان بوده‌اند که آنقدر بر بازگشت ثانوی مسیح تمرکز کرده‌اند، در تشخیص امتیازات و مسئولیت‌هایی که نتیجهٔ ابعاد گذشته و کنونی نجات هستند، شکست خورده‌اند. اگرچه ما نمی‌خواهیم هرگز چشم از بازگشت مسیح در جلال برداریم، باید همیشه به یاد داشته باشیم که خدا هم‌اینک چقدر برای ما انجام داده است و درک کنیم که چقدر در آینده برای ما انجام خواهد داد.

### اخلاقیات

پولس آخرت‌شناسی دو آتش تسالونیکیی را نه تنها با تاکید بر جوانب گذشته و کنونی نجات، بلکه همچنین با خاطرنشان ساختن زندگی مسیحی اخلاقی پاسخ می‌دهد. برای اینکه ببینیم چطور این تعلیم اخلاقی آخرت‌شناسی او را بازتاب داد، به دو موضوع نگاه می‌کنیم: روند نجات، و پیامد زندگی اخلاقی. بیایید ابتدا ببینیم که چطور آخرت‌شناسی پولس یک توالی از ابعاد گذشته و کنونی نجات به برکات آینده را نشان می‌دهد.

### روند نجات

پولس تصویری نسبتاً کامل از روند نجات را در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۴ آشکار کرد:

او شما را به واسطهٔ انجیل ما فرا خواند تا از جلال خداوند ما عیسای مسیح برخوردار شوید (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۴).

پولس می‌نویسد که تسالونیکیان تقدیس شده و به حقیقت ایمان آورده بودند تا «از جلال خداوند ما عیسای مسیح» برخوردار شوند. پولس اندیشهٔ مشابهی را در دعای خود در اول تسالونیکیان ۳: ۱۳ بیان کرد:



[خدا] دل‌های شما را استواری بخشد تا آنگاه که خداوند ما عیسی با همهٔ مقدسان خود می‌آید، در حضور خدا، پدر ما، بی‌عیب و مقدس باشید (اول تسالونیکیان ۳: ۱۳).

تسالونیکیان مشتاق بازگشت مسیح با همهٔ مقدسین او بودند و پولس این آرزو را تایید کرد. اما او همچنین دعا کرد که آنها در تعهد روزانهٔ خود به مسیح استوار باشند که تا وقتی مسیح بازگشت، تسالونیکیان در چشم او پذیرفته باشند. نجات آینده در جلال ابدی پایان یا هدف این روند است. خدا تجربه‌های گذشته و حال ما از نجات را زمینهٔ هدایت ما به مرحلهٔ آیندهٔ نجات قرار داده است. بدون مراحل قبل و حال، نجات آینده دست‌یافتنی نیست.

### پیامدهای اخلاقی

پولس در توضیح جوانب گذشته، حال، و آیندهٔ نجات اشاره کرد که یکی از قدم‌های ضروری در این روند، زندگی اخلاقی روزمره است. به طور خلاصه، او نوشت که ایمانداران معترف که زندگی عادلانه‌ای ندارند نمی‌توانند این روند را کامل کنند چون در حقیقت هرگز آن را آغاز نکرده‌اند. با ابراز این نکته، پولس به تسالونیکیان یادآوری کرد که اگرچه آنها حق داشتند به برکات بازگشت مسیح امیدوار باشند، اما اگر امید داشتند که آن برکات آینده را دریافت کنند، می‌بایست بر مسائل کنونی زندگی نیز تمرکز می‌کردند.

حال، از قسمت‌های دیگر می‌توانیم مطمئن باشیم که پولس باور نداشت که از دست دادن نجات برای ایمانداران حقیقی به مسیح امکان داشته باشد. برای مثال، در فیلیپیان ۱: ۶ پولس اینگونه به فیلیپیان اطمینان داد:

یقین دارم آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید (فیلیپیان ۱: ۶).

در عین حال، ببینید که چطور آنها را در اول تسالونیکیان ۵: ۵-۹ تشویق کرد:

شما همه فرزندان نور و فرزندان روزید؛ ما به شب و به تاریکی تعلق نداریم. پس همانند دیگران به خواب نرویم، بلکه بیدار و هوشیار باشیم. زیرا آنان که می‌خوابند، شب‌هنگام می‌خوابند، و آنان که مست می‌کنند، شب‌هنگام مست می‌کنند. اما ما چون به روز تعلق داریم، باید هوشیار باشیم، و ایمان و محبت را همچون زره سینه‌پوش بر تن کنیم و امید نجات را همچون کلاه‌خود بر سر نهیم. زیرا خدا ما را نه برای غضب، بلکه برای کسب نجات به واسطهٔ خداوندمان عیسی مسیح تعیین کرده است (اول تسالونیکیان ۵: ۵-۹).

دیدگاه اساسی سه جانبه پولس، دوباره در این متن ظاهر می‌شود. در گذشته، تسالونیکیان «فرزندان نور و فرزندان روز» شده بودند. آنها پیش‌تر این موقعیت مخصوص را در چشمان خداوند دریافت کرده بودند، و وفادار و پرمحبت و امیدوار به نجات شده بودند. چون آنها در گذشته نجات را تجربه کرده بودند، پولس پافشاری کرد که آنها الزامی برای تداوم در نجات در زمان حال دارند: «بیدار و هوشیار باشیم.» و فراتر از این، پولس گفت دلیل اینکه مسیحیان باید بیدار و هوشیار بمانند، و در ایمان، امید، محبت پایدار باشند، این است که نجات ما در آینده به آن بستگی دارد. خدا ما را انتخاب نکرد تا تحت خشم او باشیم، بلکه تا نجات بیابیم. اما او همچنین وفاداری کنونی ما را به عنوان ابزاری برای تحصیل نجات آینده‌مان تعیین کرد.

در پرتو این، پولس تعلیمات اخلاقی فراوانی در اول و دوم تسالونیکیان جای داد. برای مثال، در اول تسالونیکیان ۴: ۳-۵: ۲۲، او آنان را تشویق کرد تا به کار مشغول شوند، از فساد جنسی دور بمانند، یکدیگر را محبت و تشویق کنند، بدی را با نیکویی پاسخ دهند، و زندگی مقدسی داشته باشند. اینها و دیگر تعالیم مشخص پولس به تسالونیکیان، از این عقیده استوار او برمی‌خاست که مسیحیان در زمانی زندگی می‌کنند که نجات یک واقعیت حاضر است. آخرت‌شناسی پولس یک توالی از ابعاد گذشته و کنونی نجات به برکات آینده را نشان داد.

### موضع تاریخی

سومین راهی که پولس کوشید تا آخرت‌شناسی دو آتش تسالونیکیان را اصلاح کند، با توضیح موضع تاریخی آنان و ارتباط آن با وقایع قبل از بازگشت مسیح بود. به یاد دارید که تعدادی از مسیحیان در تسالونیک، درباره وقایع تاریخی‌ای که باید با بازگشت مسیح اتفاق می‌افتادند، سردرگم بودند. برخی از آنان حتی فریب خورده بودند که مسیح هم‌اینک بازگشته، و آنها از آن بی‌خبرند. دیگران باور داشتند که اگرچه مسیح هنوز برنگشته است، اما در آینده‌ای بسیار نزدیک برخواهد گشت.

پولس اینگونه به این اندیشه‌های خطا پاسخ داد که به تسالونیکیان یادآوری کرد چند واقعه باید پیش از بازگشت مسیح رخ بدهند و اینکه این وقایع هنوز اتفاق نیفتاده‌اند. به آنچه او در دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۸ نوشت گوش کنید:

درباره آمدن خداوند ما عیسای مسیح... تا نخست آن عصیان واقع نشود و آن مرد بی‌دین که فرزند هلاکت است به ظهور نرسد، آن روز فرا نخواهد رسید... زیرا سر بی‌دینی هم‌اکنون نیز عمل می‌کند، اما فقط تا وقتی که آن که تا به حال مانع است از میان برداشته شود. آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد که خداوند عیسی با نفس دهان خود او را هلاک خواهد کرد و با درخشندگی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت (دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۸).

این متن از اولین روزهای کلیسا، مفسرین را مجذوب خود کرده و نظرات بسیار مختلفی در مورد معنای آن وجود داشته است. به صورت عمومی می‌توانیم بگوییم که پولس به تسالونیکیان تعلیم داد که آخرت‌شناسی دو آتشۀ آنها اشتباه است چون وقایع مشخصی باید پیش از بازگشت شکوهمند مسیح رخ می‌دادند. بر اساس این متن، حداقل چهار مورد باید پیش از بازگشت مسیح اتفاق می‌افتادند: سرّ بی‌دینی می‌بایست کار کند و محدود شود؛ یک عصیان یا ارتداد باید واقع می‌شد؛ مانع باید از میان می‌رفت؛ و مرد بی‌دین باید ظاهر می‌شد.

مفسرین به اشکال بسیار متعددی این چهار عنصر را درک کرده‌اند و ما قادر نخواهیم بود اینجا به گونه‌ای که رضایت همه جلب شود به این موضوع بپردازیم. بنابراین، در اینجا به ارائه برخی دیدگاه‌های عمومی‌تر می‌پردازیم که به نظرمان قانع‌کننده‌ترین‌ها آنهاست.

### محدودیت سرّ بی‌دینی

در وهلهٔ اول، پولس بیان کرد که «سرّ بی‌دینی» هم‌اینک در کار بود، و محدود شده بود. اما او از هویت این سرّ یا مانع صحبتی نمی‌کند. با این حال، در دوم تسالونیکیان ۲: ۷-۹ پولس به طور ضمنی این سرّ را به دشمن بزرگ کلیسا، یعنی شیطان مرتبط می‌کند. این نکته سرنخی به ما می‌دهد که احتمالاً ماهیتی شیطانی دارد. همچنین به این دقت کنید که پولس کلیسا را در کشمکش با نیروهای روحانی و نه رهبران زمینی، توصیف کرده بود. همانطور که او در افسسیان ۶: ۱۲ نوشت:

ما را کُشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاست‌ها و قدرت‌ها و جهان‌داران این ظلمت و با فوج‌های روحانی شرارت در جای‌های آسمانی (افسسیان ۶: ۱۲).

پولس انکار نکرد که قدرت‌های شیطانی، همکاران زمینی‌ای مثل دولت‌های شرور انسانی یا افراد از مسیح رویگردان دارند. اما او ایمانداران را تشویق کرد تا به فعالیت‌های شیطانی و کشمکش‌های زمینی به عنوان بخشی از یک جنگ روحانی فکر کنند.

علاوه بر این، پولس در سراسر نامه‌های خود بارها به جزئیات جنگ روحانی اشاره کرد که به موازات سرّ و مانع هستند. برای مثال، در کولسیان ۲: ۱۵-۲۰ و غلاطیان ۴: ۸-۹ تعلیم داد که تصلیب مسیح باعث خلع سلاح شیطانی شد که بر ایمانداران پیش از آنکه ایمان بیابند قدرت داشتند، و اینکه خدمت روح‌القدس ایمانداران را از تسلط این خدایان دروغین عاجز رها کرد. اساساً، این نیروهای شیطانی همچنان فعال بودند، اما با قدرت خدا محدود شده بودند.

به همین دلایل، بهترین دیدگاه این است که «سرّ بی‌دینی» را به عنوان یک نیروی شیطانی ببینیم که قدرت خود را در عوالم آسمانی برای مخالفت با خدا، تقویت معلمین کذبه، و ترویج مذاهب دروغین به کار می‌بندد. در مقابل، «مانع» یا شاید «محدودیت» نیز عمدتاً در دنیای روحانی فعال است و احتمالاً فرشته یا گروهی از فرشتگان هستند و یا حتی خود روح القدس.

### عصیان یا ارتداد

در وهلهٔ دوم، پولس به تسالونیکیان اطمینان داد که مسیح تا زمان «عصیان» یا «ارتداد» برنخواهد گشت. چون مانع همچنان در زمانی که پولس می‌نوشت فعال بود، عصیان واقع نشده بود؛ از این رو، مسیح هنوز برنگشته بود. بهترین حالتی که می‌توان این «عصیان» یا «ارتداد» را درک کرد، در معادل دانستن آن است با «نبرد»ی است که یوحنا در سراسر مکاشفه بدان اشاره می‌کند. در مکاشفه ۱۶: ۱۴، این «نبرد روز عظیم خدای قادر مطلق» است. در مکاشفه ۱۹: ۱۹، «جنگ علیه اسب‌سوار» خوانده شده است. در مکاشفه ۲۰: ۸-۹ نبرد علیه «اردوگاه مقدسین و شهر محبوب» است. این عصیان از جمع‌آوری تمام نیروهای شریر علیه خدا در واپسین روز خداوند تشکیل شده است. این شورش تا پایان این عصر روی نخواهد داد. و در آن زمان، مسیح تمام آنانی که در مقابل او ایستادند را کاملاً نابود خواهد کرد.

### حذف مانع

فرای این، پولس نشان داد که عصیان هرگز نمی‌تواند تا زمانی که «مانع» یا «محدودیت»، در مقابل سرّ بی‌دینی وجود دارد، اتفاق بیفتد. از آنجا که تسالونیکیان از عمل فعال و ممتد «مانع» باخبر بودند، دلیلی نداشت که نگران باشند بازگشت مسیح را ندیده و از دست داده‌اند.

### ظهور مرد بی‌دین

در نهایت، پولس اشاره کرد تا زمانی که مرد بی‌دین ظاهر نشود، مسیح باز نخواهد گشت. با توجه به توصیف پولس در دوم تسالونیکیان ۲: ۴-۹، مرد بی‌دین ظاهر می‌شد تا نوعی تقلید از عیسای مسیح در جسم باشد. برای مثال، در آیهٔ ۸ می‌گوید که او نیز مانند عیسی «ظاهر» خواهد شد. آیهٔ ۶ نشان می‌دهد که او «در زمان خود» خواهد آمد. بر اساس آیهٔ ۹، ظهور او همراه با «معجزات و آیات و عجایب» خواهد بود. و آیهٔ ۴ می‌گوید که او در واقع ادعای الوهیت خواهد کرد.

عقاید بسیاری دربارهٔ هویت مرد بی‌دین وجود دارد. بعضی فکر کردند که او باید یک شخصیت سیاسی مشخص مثل نرون، امپراتور رومی، در قرن اول باشد. برخی دیگر فکر کردند که او باید یک شخصیت سیاسی باشد

که در تمام اعصار تکرار می‌شود. برای مثال، اگرچه نرون نخستین مستبد جفاکار بر کلیسا بود، اما بعدها امپراتوران دیگری مثل مارکوس آئورلیوس نیز از او پیروی کردند و دشمن کلیسا بودند.

شاید بهترین توضیح این باشد که مرد بی‌دین یک شخصیت انسانی منفرد است که هنوز ظاهر نشده و بر آخرین نسل قبل از بازگشت مسیح تاثیرگذار خواهد بود؛ آنکه یوحنا او را در اول یوحنا ۲: ۱۸ «ضد مسیح» خواند. اکنون، اگرچه محققین با معنای دقیق هر یک از عناصری که به آن اشاره کردیم موافق نیستند، می‌توانیم دربارهٔ نکتهٔ بزرگتری که پولس به آن اشاره می‌کرد مطمئن باشیم: برخی از تسالونیکیان آنقدر در شوق خود برای بازگشت مسیح تند رفته بودند که باور داشتند مسیح هم‌اینک برگشته اما آنها آنچنان که وعده داده شده، با او جلال نیافته‌اند. بنابراین، پولس تکرار کرد که پیش از بازگشت مسیح، چند چیز باید اتفاق بیفتد. از آنجا که این اتفاقات رخ نداده بود، واضح بود که مسیح برگشته است.

پولس اشاره کرد که بازگشت مسیح در آیندهٔ دورتری از آنچه تسالونیکیان فکر کرده بودند واقع خواهد شد تا چشمان آنان را نسبت به اهمیت زندگی کنونی‌شان باز کند. به همین دلایل مشابه، هرگاه که ما آنقدر نگران نزدیکی بازگشت مسیح می‌شویم که وسوسه می‌شویم تا این زندگی را نادیده بگیریم، باید به یاد بیاوریم که چقدر مهم است که ما در مسئولیت‌ها و کشمکش‌های زندگی به «هم‌اینک و نه هنوز» متعهد باشیم.

## نتیجه‌گیری

در این درس دیدیم که چطور پولس به مشکلاتی که در کلیسای تسالونیکیه وجود داشت، پاسخ داد. کنکاشی در پیش‌زمینهٔ روابط او با تسالونیکیان داشتیم و محتوای نامه‌های او به تسالونیکیان را از نظر گذراندیم. سرانجام، دیدیم که پولس چطور محور الاهیات خود را در مشکلات تسالونیکیه به کار بست، ایمانداران را خواند تا شعلهٔ آخرت‌شناسی دو آتش خود را پایین بکشند و توجه شایسته‌ای به زندگی کنونی بر زمین داشته باشند.

با تامل بر پاسخ‌های پولس به تسالونیکیان، می‌بینیم که چطور آخرت‌شناسی او بسیاری از مشکلات عملی آنها را حل کرد، و نیز چطور می‌تواند راهنمای امروز ما باشد. بسیاری از مسیحیان، همچنان تمرکز نامناسب بر بازگشت مسیح دارند که اهمیت زمان حال را نادیده می‌گیرد. اما مسیح ما را به نادیده گرفتن مسئولیت‌های کنونی‌مان در ملکوت خود نخواند. بلکه او این را زمانی برای ما قرار داد تا به او وفادار بمانیم، در تقدس رشد کنیم، و شاهد او در این دنیا باشیم. محور الاهیات پولس امروز همانطوری با ما سخن می‌گوید که در گذشته با تسالونیکیان گفت، و ما را تشویق می‌کند تا در حینی که منتظر بازگشت خداوندمان و کمال عصر آینده هستیم، وفادار و مقدس بمانیم.